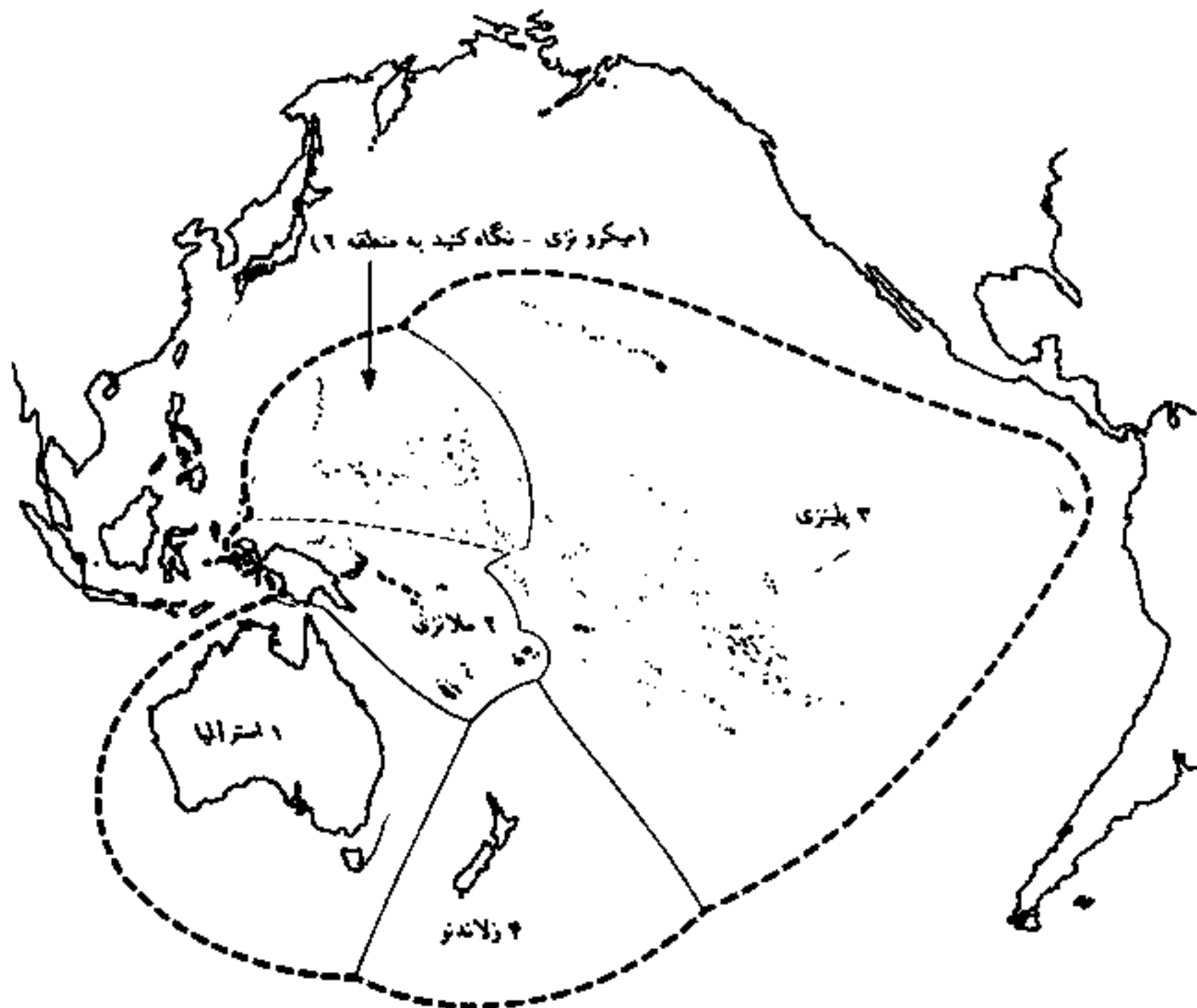


تصویر ۲-۵ جمعیت کلی قاره اقیانوسیه

/ جمعیت اقیانوسیه در ۱۹۹۰ م. : ۱۰۰۰ / ۲۰۲ / ۲۶ نفر /

بخش پنجم

اقیانوسیه



تصویر ۱-۵ تقسیم اقیانوسیه به مناطق ۴ گانه

اقیانوسیه: بررسی کلی ۹/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

به نظر می‌رسد که جغرافیای رشته جزایری که از آسیای جنوب شرقی تا فیجی امتداد می‌یابد، بر روی نقشه بسیار یکنواخت است. نخست مجمع الجزایر اندونزی وسیع و سپس کوچکتر و آن‌گاه سرزمین نسبتاً پهناور گینه نو و سرانجام مجمع الجزایری پراکنده که تا آبهای بدون جزیره‌ای در اقیانوس آرام جنوبی بدنبال هم قرار می‌گیرند، در نقشه به چشم می‌خورد. اما برای مدت زمان درازی است که می‌دانیم از دیدگاه بیولوژی، شکافی مهم در این تسلسل وجود دارد. این عدم پیوستگی در نقطه‌ای بین جزایر اندونزی بزرگ و گینه نو به چشم می‌خورد. این مجمع الجزایر در غرب، زیستگاهی جدید برای جانوران معمولی پستاندار دارای جفت است، در حالی که جزایر واقع در شرق، نوعی از جهان گم شده محسوب می‌شود که تنها ساکنان آن را جانوران کیسه دار ابتدایی، آن‌گونه‌ای که در دیگر جاها کمیاب است، تشکیل می‌دهند. این مبنای زیست شناختی برای تمایز بین آسیا و اقیانوسیه است.

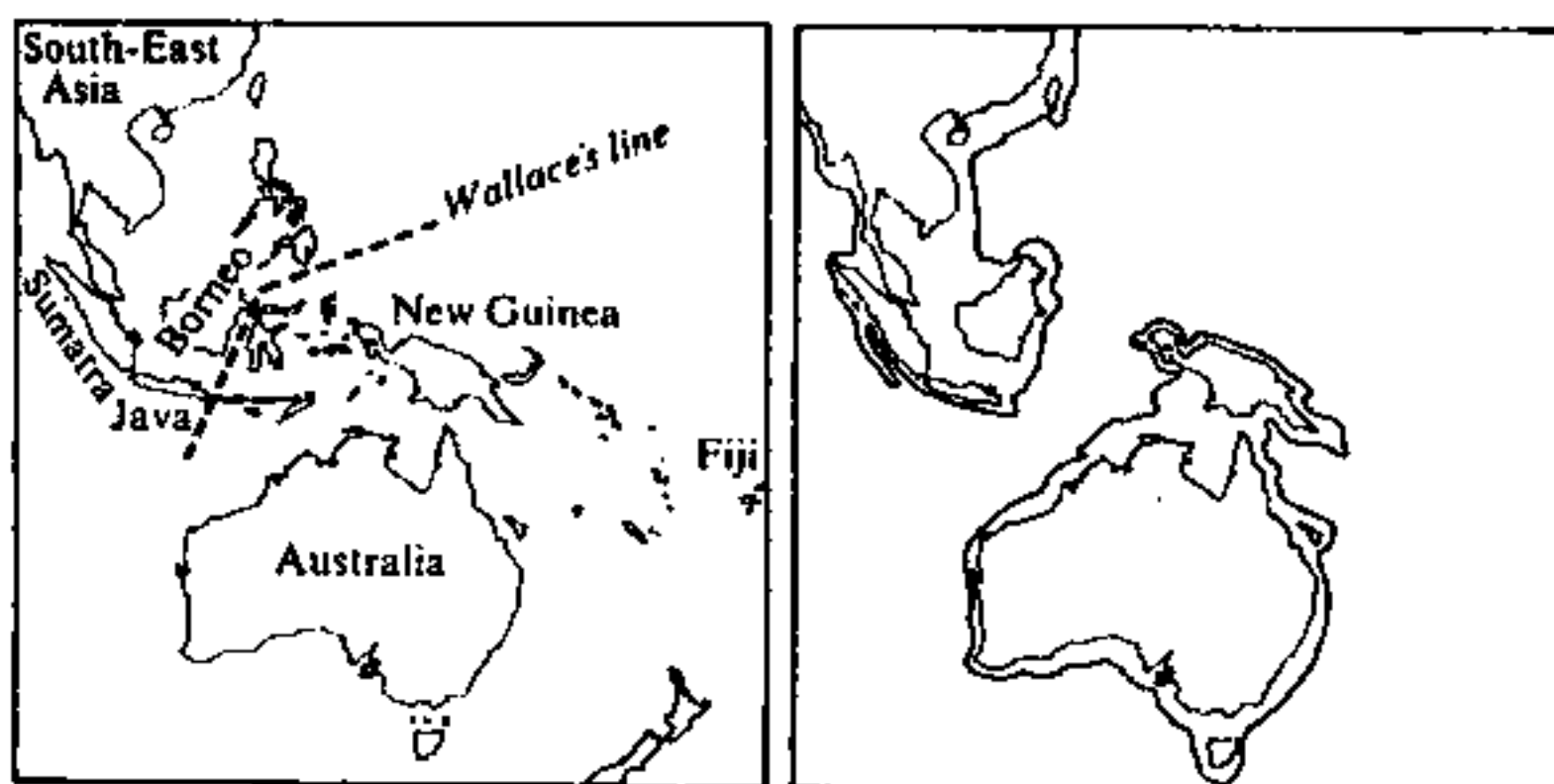
والاس،^۱ نخستین کسی که این عدم پیوستگی را خاطر نشان کرد، تنگه‌ای ژرف که شرق بورنیو و جاوه را از یکدیگر جدا می‌کند، به عنوان خط تقسیم در نظر گرفت. در طول عصرهای یخبندان، هنگامی که سطح دریا پایین تر از سطح کنونی بود، این تنگه مرز شرقی پهنه خشکی استرالیا - گینه نو در بخشی متفاوت از جهان - آسیا - پدید آمد و در پیوندکنونیش با مجمع الجزایر اندونزی، در حدود ۵۰ میلیون سال قبل، به پیش رفت. پس از این مرحله، چهارپایان ابتدایی پدیدار می‌شوند.

جایی که خط تقسیم‌بندی زمین‌شناسی به‌طور دقیق بین دو قاره آسیا و اقیانوسیه باید ترسیم شود، هنوز هم نامشخص است. امروزه معمولاً هر چه به این سوی گینه‌نو متعلق است را از آسیا می‌دانند. این تعریفی مختصر از اقیانوسیه است، اما هنوز هم بدین مفهوم است که جمهوری اندونزی باید به عنوان یک حکومت آسیایی - اقیانوسیه‌ای به شمار آید. اصلاحاتی مربوط به افزودن منطقه و جمهوری گینه‌نو غربی (ایریان غربی)^۱ به اندونزی آسیایی، در صفحه ۴۶۵ ارائه شده است.

نزدیک به آخرین عصر یخبندان، حدود ۷۰۰۰۰ سال پیش از میلاد، جزایر اندونزی توسط تیره‌ای از نیای ملانزی‌های^۲ کنونی مورد سکونت قرار گرفت. اقیانوسیه غیر مسکونی بود. در حالی که سرمایه بیشترین شدت خود رسید و آب بیشتری در دماغه‌های یخی محبوس شد، سطح آب دریا تا ۱۰۰ متر پایین افتاد، در نتیجه جزایر جدیدی پدیدار شدند و جزایر موجود در بسیاری از مناطق از میان مجمع‌الجزایر به هم متصل شدند. سفر دریایی از آسیا به اقیانوسیه، از پیش آسانتر شد. ملانزی‌ها در حال حرکت به سوی شرق، ابتدا به گینه‌نو رسیدند و سپس ظاهراً در ۵۰/۱۰۰۰ ق.م. به استرالیا پا گذاشتند. باید تعداد آنان اندک بوده و تکنولوژی دوره پارینه سنگی در ابتدایی‌ترین مراحل آن قرار داشته باشد. با وجود این، سرزمین در دسترس برای استقرار آنان پهناور بود و ارقام جمعیت پهنه خشکی استرالیا - گینه‌نو، بزودی به بیش از ۱۰۰/۱۰۰۰ نفر رسید. در ۵۰۰۰ ق.م. هنگامی که عصر یخبندان به پایان خود رسید و سطح در حال افزایش آب دریا، چشم انداز جغرافیایی امروزی را به وجود آورد، این رقم به ۲۵۰۰۰۰ نفر افزایش یافت.

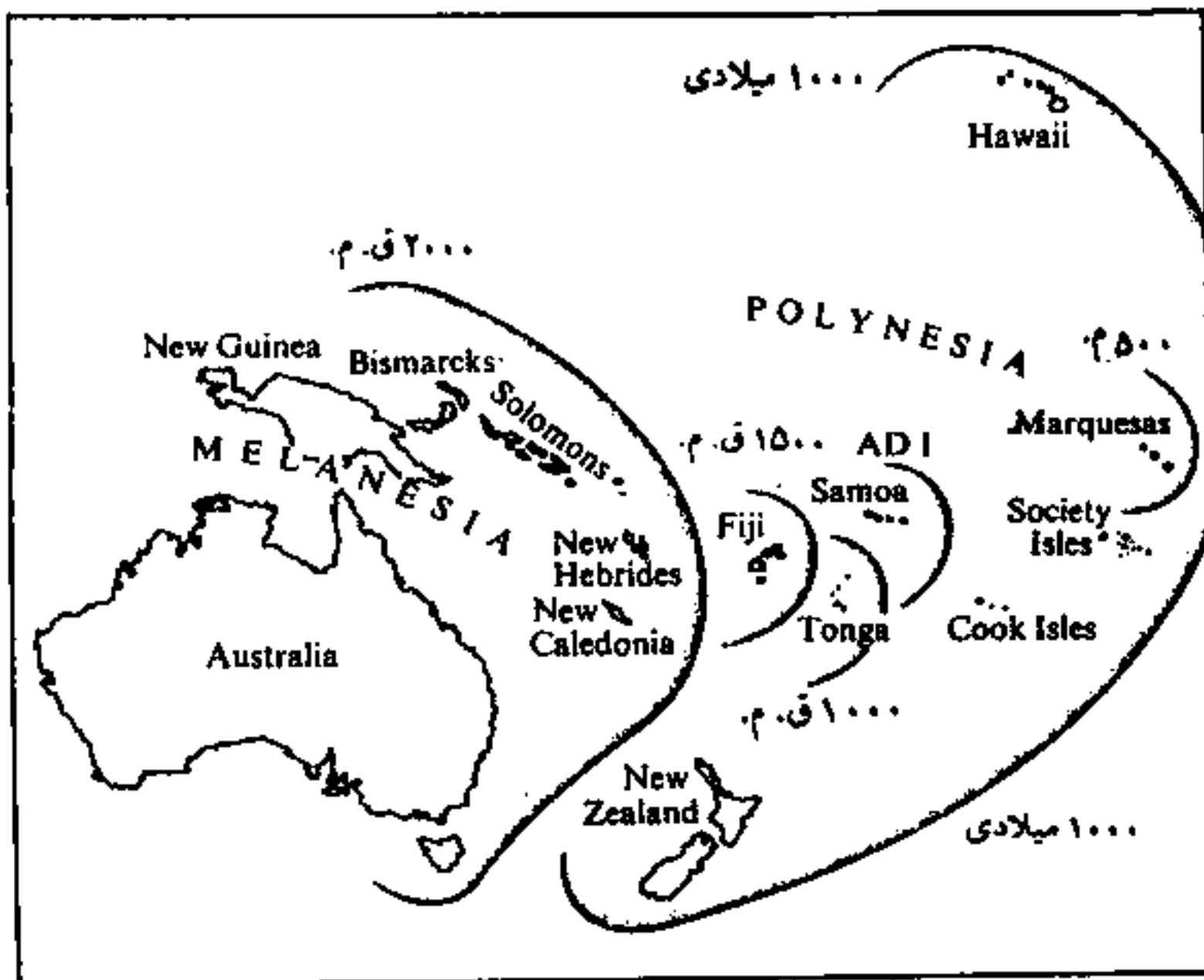
در این زمان، روشهای فنی دوره نوسنگی در اندونزی مورد استفاده قرار می‌گرفت و در حال نفوذ به درون گینه‌نو بود. در نتیجه، تراکم جمعیت این سرزمین رو به افزایش گذاشت و جامعه گینه‌نو با چهره‌ای که ملانزی امروزی را نشان می‌دهد، توسعه یافت. در حقیقت با کشف و مهاجرت به جزایر تا شرق گینه‌نو - رویدادی که به هزاره دوم پیش از میلاد باز می‌گردد - ملانزی تا بیشترین حد خود گسترش یافت. در حالی که استرالیا بدون تماس با تأثیرات جدید باقی ماند و جمعیت آن هم اکنون به سطح ۲۰۰/۱۰۰۰ تا ۲۵۰/۱۰۰۰ نفر در کل منطقه رسیده بود، ملانزی‌ها به موقعیتی بالاتر در آمار جمعیتی اقیانوسیه دست یافتند. این نفوذ در طول ۲۰ سده بعد رو به فزونی گذاشت. در ۱۰۰۰ م. تعداد ملانزی‌ها به بیش از ۱ میلیون نفر می‌رسید که ۸۰٪ از جمعیت اقیانوسیه را شامل می‌شد.

استرالیا، به مانند مرداب در دوره پارینه سنگی غیر قابل تغییر بود. بنابراین هر انگیزه‌ای برای ملانزی، بایستی از سوی جمعیت جدیدی صورت گرفته باشد. اساس این گروه جمعیتی در طول دوران



نصیر ۵ - ۳ آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه. خط کنونی ساحلی و شکل اجمالی گروه‌های خشکی اصلی در ۱۰۰۰/۵۰ ق.م.
/ پس از خط هاوئر [PP.136 - 7، *Howells

از ۱۰۰۰ ق.م. در جزایر تونگا^۱ و از ۳۰۰ ق.م. هنگامی که تونگایی‌ها ساموآ^۲ را کشف و در آن استقرار یافتند، در جزایر ساموآ توسعه یافته بود. در آغاز دوران مسیحیت، این افراد غیر ساکن ملانزی، که سزاوار عنوان ویژه پلینزی بودند،^۳ از نظر زبان و فرهنگ با ملانزی تفاوت داشتند. مهارت در دریانوردی آنان نیز توسعه یافته بود. پلینزی‌ها توانایی زیادی داشتند تا بتوانند از سفرهای دریایی اتفاقی که به سبب گم کردن راه‌ها در دریانوردی محلی پدید می‌آمد جان سالم بدر برند. آنان حتی توانایی آن را داشتند که سفرهای اکتشافی را سازمان دهند که از پیش درباره آن می‌اندیشیدند. این توانایی بالقوه در دوران بعدی تحقق یافت. بین سده ۴ تا ۱۰ میلادی، مجموعه‌ای از مهاجرت‌های حماسی، از پلینزی تا تاهیتی، هاوایی، جزایر کوک و زلاندنو را در بر گرفت. از نظر جمعیت نگاری، نتایج این مهاجرت‌ها بسیار زیاد نبود. هاوایی و زلاندنو در هنگامی که برای نخستین بار توسط اروپایی‌ها در سده هجدهم کشف شد، بیش از ۲۵۰۰۰۰ سکنه داشت. بقیه پلینزی، بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر را در خود جای نداده بود. اما بر مبنای معیارهای نسبتاً اندک، سهم پلینزی بسیار زیاد بود، به طوری که مجموع جمعیت منطقه تا ۲/۵ میلیون نفر افزایش یافت و سهم ملانزی از این مجموع تا دو سوم کاهش یافت.



تصویر ۴-۵ مهاجرت بومی جزایر اقیانوس آرام

کشف اقیانوسیه توسط اروپاییها، سوداگری متمادی بود که از آغاز سده شانزدهم، هنگامی که ماژلان، نخستین اروپایی که اقیانوس آرام را با کشتی درنوردید تا اواخر سده هجدهم، هنگامی که سفرهای دریایی اکتشافی جیمز کوک نشان می داد که هیچ پهنه خشکی غیر کشف نشده در این منطقه وجود ندارد، به درازا کشید؛ چون جغرافی دانان آموخته بودند که طرح این منطقه را بخوبی ترسیم کنند روابط بین اروپاییان و ساکنان اقیانوسیه به کندی توسعه یافت. بومیان اساساً همانند گذشته در انزوا به سر می بردند و به همان اندازه ای که آنان در دوران پیش از ماژلان رابطه داشتند، بدان افزودند.

تمام اینها بعد از سال ۱۷۸۸ - مهمترین زمان در تاریخ اقیانوسیه - تغییر کرد. در ژانویه آن سال ناوگانی با هفت کشتی بریتانیایی به ساحل استرالیا وارد شد و تقریباً ۱۰۰۰ نفر در پورت جکسون^۷، نزدیک سیدنی کنونی، از کشتی پیاده شدند. به این ترتیب تهاجم اروپا به اقیانوسیه آغاز شد.

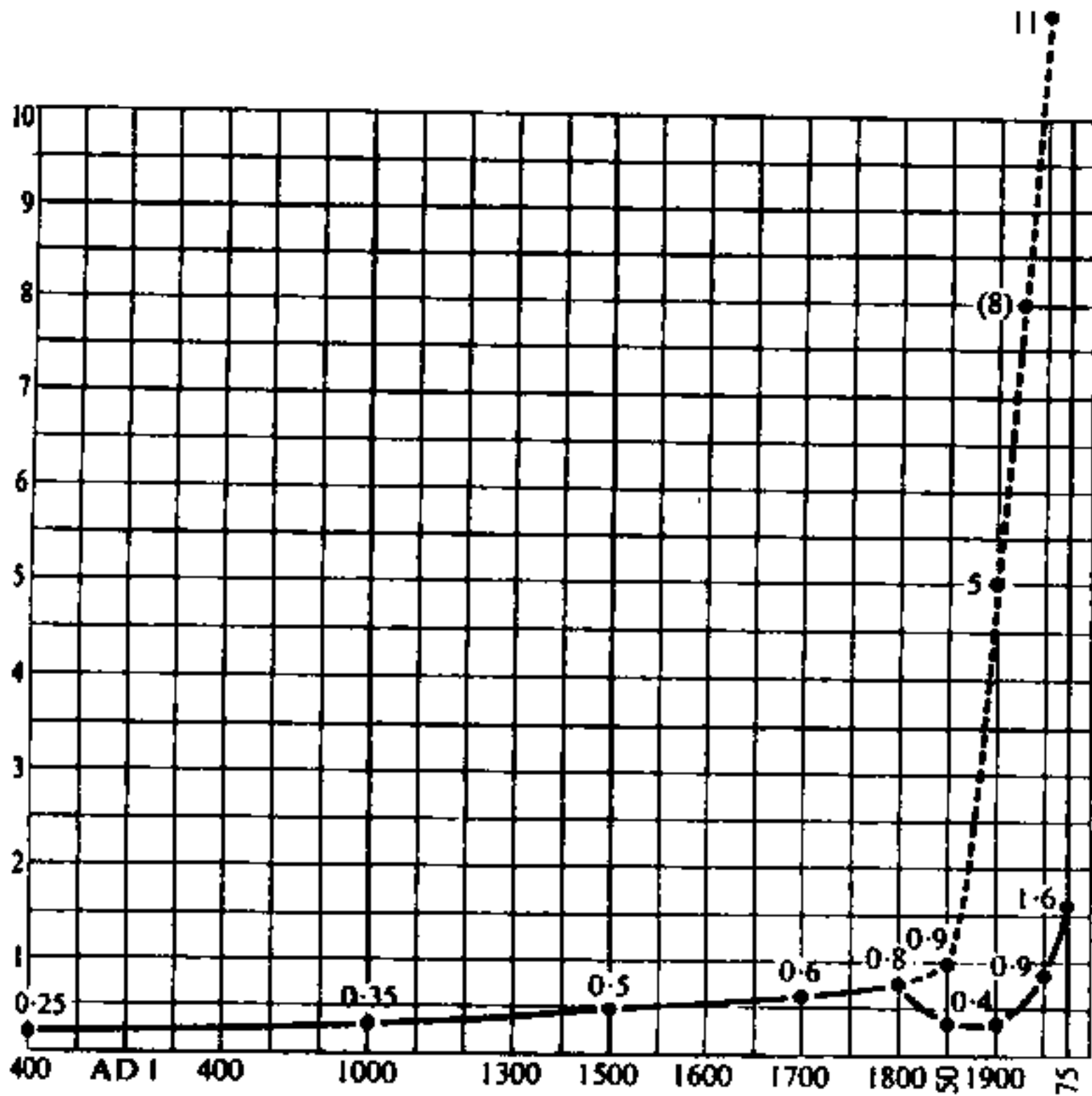
عصر جدید، به طور کلی برای بومیان ناخوشایند بود. تمام ناظران اولیه بر آنند که مردم بومی در حالی

که در ارتباط اولیه با مهاجران تازه وارد زندگی می‌کردند، از کاهش سریع در تعداد جمعیت رنج می‌بردند. در بعضی مناطق تمام قبایل نابود شدند. این گونه وقایع به کار برد فراوان کلماتی همچون انقراض، و کم جمعیتی در بیشتر آثار در این مرحله از تاریخ اقیانوسیه منجر شده است. در دیدگاهی وسیعتر، این گزارشها گمراه‌کننده است. نیمی از جمعیت اقیانوسیه در گینه نو، که خارج از محدوده مورد نظر اروپاییان قرار داشت و تحت تأثیر کامل آنان قرار نگرفته بود می‌زیستند؛ هر چند ارتباط شتابان با سفیدپوستها می‌توانست به بروز بیماریهایی که برای اقیانوس آرام جدید بود، منجر شود و در مقابل بومیان هیچ مقاومتی از خود نشان ندادند، با وجود این هیچ کاهش سریعی در جمعیت، در طول مدت طبیعی این رویدادها در یک یا دو دهه به وقوع نپیوست. نیاز به وجود مهاجرت و نیز ارتباط احساس می‌شد تا تعداد بومیان را به طور واقعی بشدت کاهش دهد.

میزان کاهش جمعیت بومی اقیانوسیه به راستی چند بود؟ با در نظر گرفتن سه مورد بدتر از همه استرالیا، زلاندنو و هاوایی - کاهش ناگهانی جمعیت از ۷۰۰/۰۰۰ نفر در ۱۸۱۰ به ۱۵۰۰۰۰ نفر در ۱۹۱۰ (۸۰٪) رسید. از سوی دیگر، به علت تداوم رشد جمعیت در گینه نو دست نیافته و پرجمعیت - با نظم ۱۲٪ - فقدان جمعیت در اقیانوسیه در مجموع از تهییج کمتری برخوردار بود. احتمالاً بهترین شیوه برای رسیدن به میزان متوسط تجربه ساکنان جزیره دریای جنوبی، در نظر گرفتن استرالیا، پلیزی و زلاندنو به استثنای ملانزی است. نتیجه، کاهش ۵۰٪ در مجموع جمعیت بومیان است که بیرحمانه است، اما هنوز تا نابودی کامل فاصله زیادی وجود داشت (تصویر ۵-۵).

همان طور که از این نمودار آشکار می‌شود، روند جمعیت‌نگاری اقیانوسیه از ۱۸۵۰، همواره از آن سفیدپوستان و به سوی بالا بوده است. جمعیت استرالیا از ۶۰۰/۰۰۰ نفر در ۱۸۵۰ بسرعت به حدود ۱۴ میلیون نفر کنونی رسیده است. در طول همین دوران، جمعیت زلاندنو از ۱۰۰۰۰۰ نفر به ۳ میلیون نفر افزایش یافت. هاوایی که در ۱۹۵۹، پنجاهمین ایالت آمریکا شد، از مجموع ۸۶۰۰۰۰ نفر جمعیتش، ۳۰۰/۰۰۰ نفر سفید پوست امریکایی هستند. در مجموع، اروپاییان و امریکاییان از اجداد اروپایی، ۷۰٪ از جمعیت ۲۳ میلیون نفری کنونی اقیانوسیه را تشکیل می‌دهند. این استنباطی برجسته و قابل توجه است که این درصد در ۲۰۰ سال قبل صفر بوده است.

همان گونه که استرالیا اکنون بر جمعیت‌نگاری اقیانوسیه تسلط دارد، تاریخ مهاجرت به اقیانوسیه، عمدتاً بریتانیایی است. سه چهارم از ۴/۵ میلیون نفری که از دریاها برای سکونت در استرالیا عبور کردند و ۹۰٪ از ۱ میلیون نفری که در زلاندنو استقرار یافته‌اند، از جزیره کوچک بریتانیا بودند. دیگر



نمودار ۵-۵ جمعیت اقیانوسیه منهای ملانزی (خط ممتد: جمعیت بومی استرالیا، پلیتری و زلانندو، خط منقطع: کل جمعیت). جمعیت بومی اندکی بیش از ارقام گرد شده‌ای که در بالا نشان داده شده‌اند، کاهش یافته‌اند. بین ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰، کاهش از ۴۲۰،۰۰۰ به ۳۶۰،۰۰۰ وجود داشت (۱۵٪ کاهش). پایین‌ترین میزان جمعیت در دهه نخست قرن بیستم به حدود ۱۰/۱۰۰ نفر کمتر از این مقدار رسید.

مهاجران از نظر شمارش در مقایسه با اهمیت محلی قابل توجه، اندک و از نظر جامعه‌شناسی غالباً شیفته‌کننده است. از آن جمله می‌توان فرانسویانی که در کالدونیای جدید سکونت گزیدند، هندیانی که به عنوان کارگران قراردادی به فیجی آمدند (درباره هر دوی آنها مراجعه کنید به ملانزی، منطقه ۲) و ترکیبی شگفت‌آور از زاپنی‌ها، فیلیپینی‌ها و امریکایی‌هایی که در هاوایی گرد آمده‌اند را نام برد. آینده جمعیتی اقیانوسیه مجبور است تحت تسلط میزان رشد جمعیت استرالیا باشد. این میزان

افزایش زیاد نیست و احتمالاً با روندی کلی در مقابل کشورهای پیشرفته سقوط خواهد کرد. احتمالاً تمام منطقه تا اواخر این سده، حدود ۳۶ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت. بسیار جالب می‌نماید که میزان افزایش جمعیت مردم بومی اخیراً به سطح بسیار زیادی فزونی یافته است. بنابراین مجموع تعداد آنان احتمالاً به رقمی بیش از میزان کنونی، خواهد رسید.

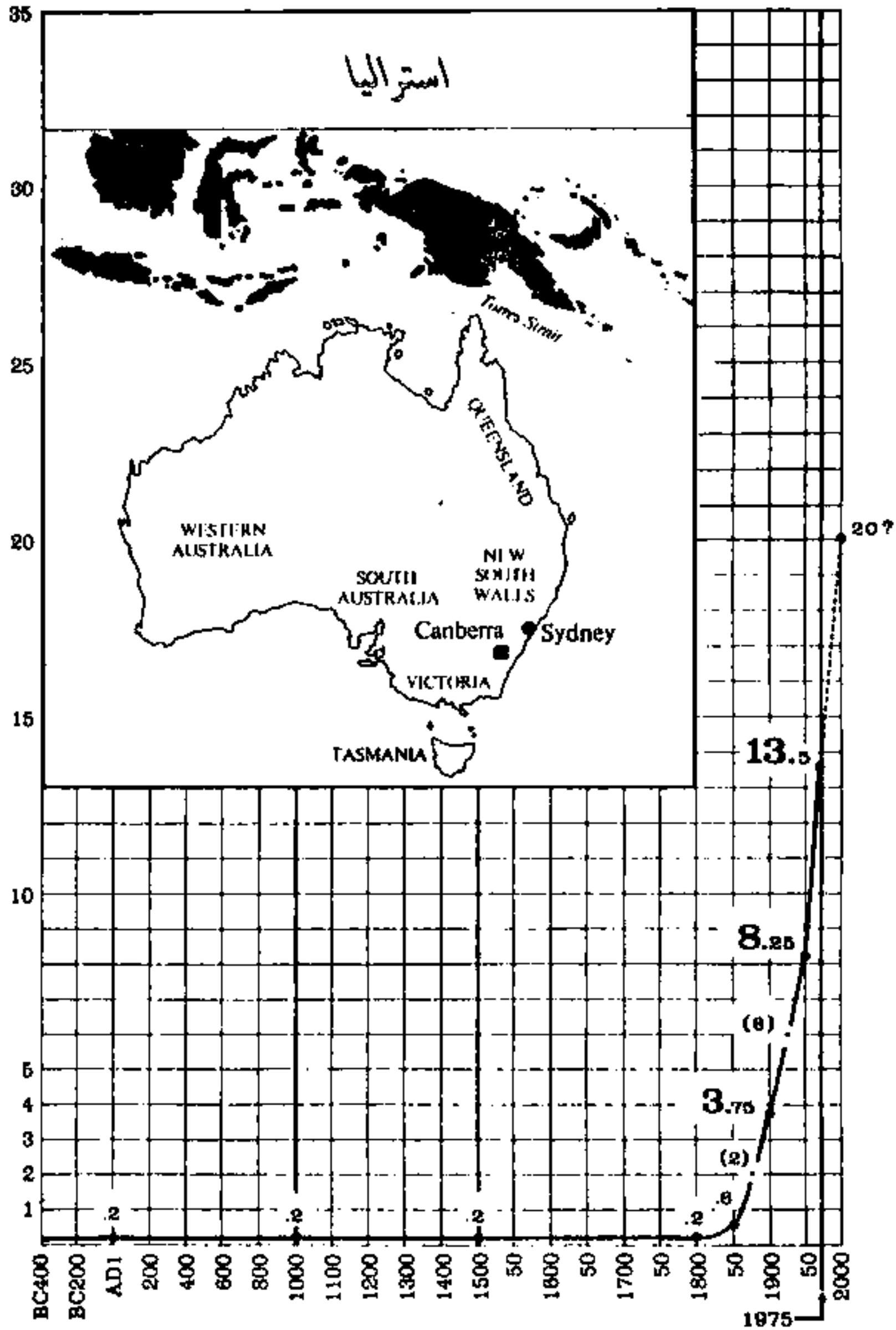
اقیانوسیه ۱

استرالیا ۷/۶۹۰/۰۰۰ کیلو متر مربع

خردمندانه‌ترین - و از نظر عقلی مطمئن‌ترین - نقطه آغاز برای تاریخ جمعیت استرالیا، پس از ۱۰۰۰۰ ق.م. است، هنگامی که پس از بالا آمدن پوشش یخی در سطح اقیانوسهای جهانی، انزوای مردم بومی استرالیا از دنیای آن سوی تنگه تورس^۱ به بالاترین حد خود رسیده بود. پیش از آن ظهور چندین موج از مهاجران، جمعیت بومی را به صورت قابل توجهی در چهره کنونیش شکل داده بود. پس از آن، بومیان برای مدت ۱۰۰۰۰ سال رها شدند تا بتوانند خوگرفتن با نیروهای طبیعی را بجویند.

در اصطلاحات جمعیت‌نگاری به نظر می‌رسد این تعادل چندین هزار سال پیش از مسیح پدید آمد. بیشترین تعداد جمعیت استرالیا که می‌توانست در مدتی که انسان، آفریده‌ای سرگردان، شکارچی و یابنده غذا باقی بماند، از آن حمایت کند حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر بود و به بیراهه نرفته‌ایم اگر بپنداریم که بین ۱۰/۰۰۰ سال پیش از میلاد تا هنگام ورود انسان غربی در اواخر سده هجدهم میلادی، جمعیت استرالیا، در حدود ۲۵۰/۰۰۰ نفر در حال نوسان بوده است.

تاثیر اروپاییان برای ساکنان اولیه استرالیا زننده و تلخ بود. سرزمین آنان در دهه‌های بعد از پایه خشکی گذاشتن نخستین مهاجران (عمدتاً محکومان) در سال ۱۷۸۸ دستخوش اضمحلال و فروپاشی شد و از همین واقعیت ساده، باستان‌شناسان خیالی، نظریه ضربه فرهنگی را به مثابه علت مرگ و میر روز افزون مطرح کرده‌اند. جمعیت نگاران سرسخت تر به این عقیده گرایش یافته‌اند که بومیان در



اقیانوسیه ۱

/ جمعیت استرالیا در ۱۹۹۰ م. ۱۶/۸۸۰/۰۰۰ نفر /

مقابل بیماری غربی مقاومتی از خود نشان ندادند. به هر علتی که بود - و قتل عامهای بی پرده‌ای نیز که در آن مشارکت داشتند - جمعیت بومی استرالیا شروع به کاهش گذاشت. این روند کاهش تا اوایل سده بیستم ادامه داشت. پس از آن برخی از قبایل نابود شدند، گفتنی است که تعداد تاسمانی‌ها (به‌طور کلی ۴۰۰۰ فرد قوی که آخرین آنها در ۱۸۷۶ درگذشت) در مجموع به کمتر از ۶۰۰۰۰ نفر رسید. بهبودی - دست کم بر مبنای جمعیت نگاری - افزایشی در حدود ۸۰٪ جمعیت امروزه بوده است.

در حالی که استرالیایی‌های پیش از تاریخ، با جامعه غربی نوین به ستیز برخاستند، بسختی شکست خوردند و نمایندگان تقریباً اندوهگین و نه آن چنان مورد پذیرش آن جامعه که در سال ۱۷۸۸ و نیم سده پس از آن - تا هنگامی که حمل و نقل دریایی در دهه ۱۸۴۰ متوقف شد - به کناره‌های ساحل استرالیا فرستاده شدند داستانی موفقیت آمیز نگاشتند، هرچند با آغازی روایتی و مخاطره آمیز. محموله اولیه شامل ۷۳۶ محکوم (۱۸۸ نفر از آنان زن بودند) و نگهبانان آنان بود که تا اواخر دهه ۱۸۰۰ به ۱۰۰/۰۰۰ نفر و تا اوایل دهه ۱۸۳۰ به ۱۰۰/۰۰۰ نفر بالغ می‌شدند. جمعیت حداکثر ۲۵۰/۰۰۰ نفری در دوران پیش از مازلان در دهه ۱۸۴۰، به ۵۰۰/۰۰۰ نفر در اوایل دهه ۱۸۵۰ و به یک میلیون نفر در ۱۸۶۰ م. رسید.

سال ۱۸۶۰، نقطه‌ای مناسب برای درنگ و نگرستن به گذشته است. سه چهارم رشد جمعیت از صفر به یک میلیون نفر در طول ۷۰ سال، با مهاجرت امکان پذیر است. این مهاجرت به‌طور صریح بریتانیایی بود و پیش از یورش طلایی^۱ در دهه ۱۸۵۰ که جمعیت در یک دهه دو برابر شد، به شکل قابل توجهی - هرچند بعد از ۱۸۲۰ رو به کاهش گذاشت - مهاجرت اجباری محکومان مجموعاً حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر بود.

بعد از سال ۱۸۶۰ الگو تغییر کرد. استرالیا به شیوه‌ای قابل تأمل تر به شهرنشینی توجه کرد. سهم مهاجرت برای رشد جمعیت به حدود ۴۰٪ کاهش یافت و پیش از آن در اواخر سده برای مدتی متوقف شد. مهاجران به‌طور قابل توجهی اصولاً بریتانیایی باقی ماندند و تنها یک دهم از آنها از دیگر نقاط اروپا - عمدتاً از آلمان - می‌آمدند، هرچند تعدادی نیز از اسکاندیناوی و ایتالیا مهاجرت می‌کردند. الگویی که در اواخر سده نوزدهم پدید آمد در بسیاری از شیوه‌ها تا زمان کنونی دنبال شد. در دورانی که بین ورود و خروج جمعیت، تعادلی وجود داشته و مهاجرت از سرزمینهای کهن به سرزمینهای جدید اروپایی بوده، مهاجرت کامل به مانند امواجی انفجاری پدیدار شده است. این دورانهای مطلوب بویژه عبارت بوده است از ده سال پیش از ۱۹۱۴، ده سال بعد از ۱۹۱۸ و سالهای

بین ۱۹۴۵ تا اواخر دهه ۱۹۶۰. این سه مرحله درون دهه عظیم، تقریباً ۳۰۰۰۰۰، ۴۰۰۰۰۰ و ۲ میلیون مهاجر خالص را به ترتیب به جمعیت استرالیا افزود. تا بعد از اواخر دهه ۱۹۴۰، هنوز هم افزایش جمعیت اساساً در اختیار بریتانیا قرار داشت. پس از آن، سهم بریتانیا تا یک سوم کاهش یافت و خاستگاه دو سوم باقیمانده عمدتاً اروپای مرکزی و جنوبی بوده است.

منابع اولیه و کتابشناسی

تاریخ جمعیت بومیان و جمعیت مهاجران باید کاملاً جدا از یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد، در حقیقت تا ۱۹۶۷ آمار رسمی قانونی جمعیت استرالیا، جمعیت غیر بومی را در بر می گرفت.

بهترین منبع برای بومیانی که هیچ گاه به درستی تا نیمه دوم سده بیستم شمرده نشدند، عبارت است از:

F. Lancaster Jones, the Structure and Growth of Australia's Aboriginal Population

(1970)

تخمین ۲۵۰۰۰۰ نفری جمعیت استرالیا پیش از ورود اروپاییها، توسط *A.R. Radcliffe. Brown* در کتاب سال این کشور، شماره ۲۳ (۱۹۳۰) ذکر شده است. *F.L. Jones* این رقم را به حدود ۰۰۰/۲۱۵- نفر کاهش داد. مدت زمانی که نیاز بود تا جمعیت دسته‌ای بومی از ساکنان اولیه به بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر افزایش یابد توسط:

Joseph Birdsall (cold Spring Harbour Symposium on Quantitative Biology, XXii

(1957, P.47)

بحث شده است. جهت اطلاع درباره تاریخ مهاجران می توانید مراجعه کنید به:

W.D. Borrie, Population Trends and Policies(1948), W.D. Borrie and G. Spencer,

Australia's Population Structure and Growth (1965)

و نیز دایرةالمعارف استرالیا (۱۹۵۸) ذیل کلمات جمعیت و مهاجرت. منبع اصلی، سرشماری در هر ده سال یک بار برای تمام استرالیا از سال ۱۸۸۱ است و تعداد مطلق سرشماریهای اولیه حکومتی از این قرار است: ۸ سرشماری برای ویلز جدید جنوبی (*New South Wales*) از ۱۸۲۸، ۳ سرشماری برای تاسمانی از ۱۸۴۱، ۶ سرشماری برای استرالیا غربی از ۱۸۴۴، ۴ سرشماری برای استرالیا غربی از ۱۸۴۸، ۳ سرشماری برای ویکتوریا از ۱۸۵۴ و ۳ سرشماری برای کوئینزلند از ۱۸۶۱ (و یک سرشماری دیگر در ۱۸۸۶). نیاز به گفتن نیست که تاریخ سرشماری حکومتی متناوباً در یک زمان اتفاق افتاده است.

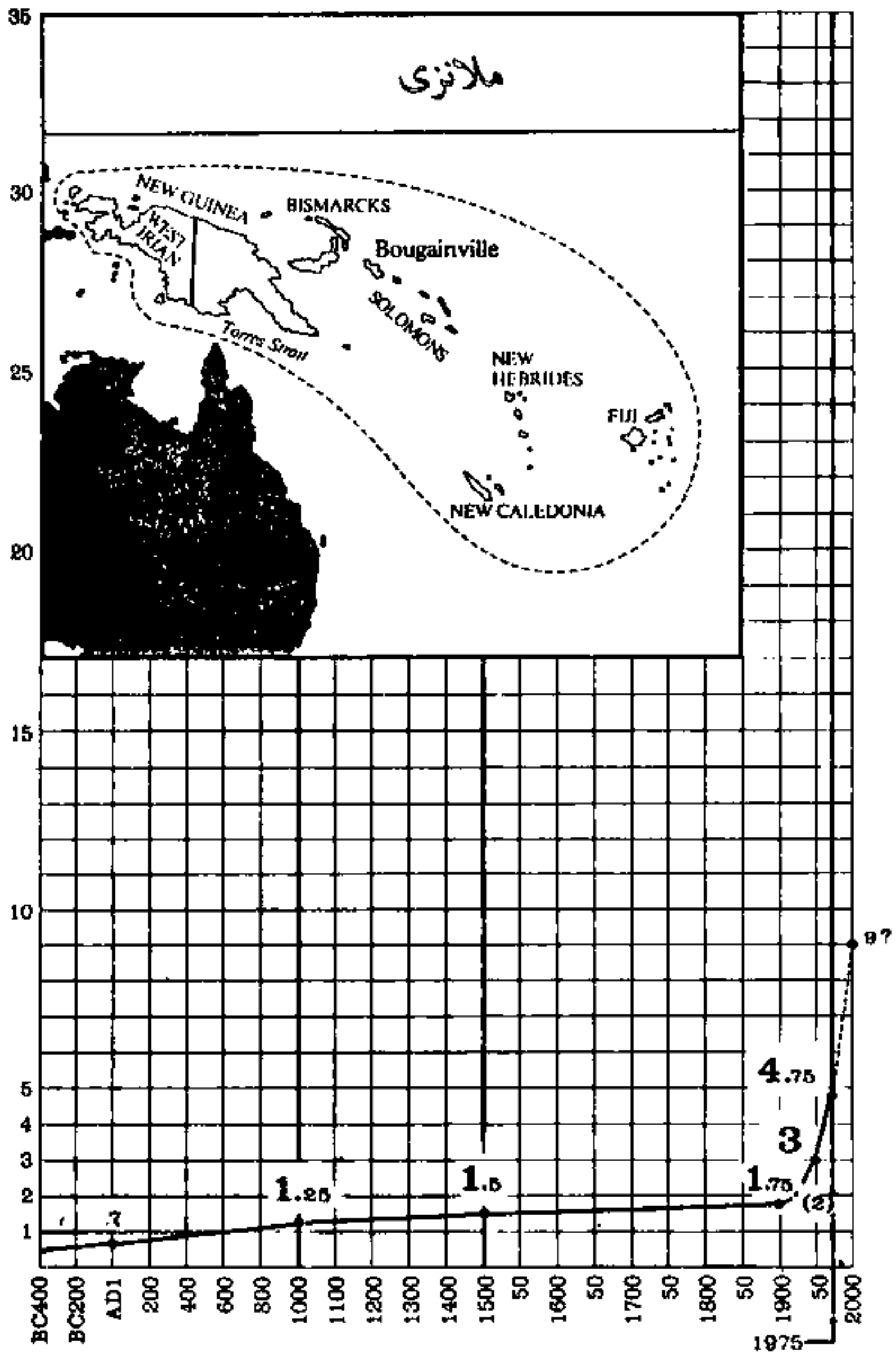
اقیانوسیه ۲

ملانزی ۹۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

ملانزی شامل جزیره بزرگ گینه نو (۸۳۰/۰۰۰ کیلومتر مربع) و مجموعه‌ای از جزایر کوچک است که از منتهی‌الیه شرقی گینه نو، هر چه دورتر می‌شود محدوده آن کوچکتر می‌شود، در کنار هم قرار گرفته است. دسته‌های اصلی جزایر از غرب به شرق عبارتند از: مجمع‌الجزایر بیسمارک، جزایر سلیمان، جزایر هیبرید جدید^۱، کالدونیای جدید^۱ و جزایر فیجی. مجموع سرزمین خشکی جزیره ملانزی (در مقابل گینه نو) ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع است.

ملانزی ابتدا توسط مردم دوره پارینه سنگی، در حدود ۵۰۰۰۰ ق.م. در طول تحوّل که عاملی برای جمعیت استرالیا محسوب می‌شود به تصرف درآمد. در طی کمتر از ۱۰۰۰ سال، این شکارچیان و جویندگان ساده تا مجمع‌الجزایر بیسمارک گسترش یافتند و تعدادشان به ۲۰۰۰۰ نفر رسید. این رویداد نشان دهنده نقطه تعادل در سطح فرهنگی بود و تا هزاره ششم قبل از میلاد، هیچ رشد بیشتری به وقوع نپیوست. با در برگرفتن پل خشکی بین ایالت‌های ملانزی و استرالیای اقیانوسیه توسط آب و تشکیل تنگه تورس، در طول مدتی که سطح آب دریا در حال بالا آمدن در دوران بعد از یخبندان بود، تقسیمی جغرافیایی بین این ایالتها به وجود آمد.

بزودی تقسیم فرهنگی کامل شد، چون نفوذ دوره سنگی از اندونزی که هیچ‌گاه به استرالیا نرسید و در آن ریشه نداشت، اکنون می‌رفت که ملانزی را تحت تأثیر قرار دهد. در حالی که استرالیا در عصر حجر



قدیم باقی ماند، ملانزی در عصر حجر جدید به پیش می‌رفت. تکنیکهای جدید مربوط به باغبانی، از کشاورزی کاملتر بود و این تکنیکها بتدریج پدیدار می‌شدند. با این وجود این تکنیکها برای نگهداری از جمعیتی که در ۱۵۰۰ ق.م. به ۲۵۰۰۰۰ نفر رسیده بود، بسنده می‌نمود و به شرقی‌ترین جزیره‌های مجمع‌الجزایر ملانزی توسعه یافت. در ۵۰۰ ق.م. مجموع جمعیت به ۵۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافت.

اکنون میزان رشد کند شده بود. در ۱۵۰۰ م. در آستانه کشف اقیانوس اطلس توسط اروپا، ملانزی بیش از ۱/۵ میلیون نفر جمعیت داشت. ۷۰٪ از مردم ملانزی در گینه نو و ۳۰٪ در جزایر می‌زیستند. تا اوایل سده نوزدهم، هنگامی که جمعیت به ۱/۷۵۰/۰۰۰ نفر رسیده بود، اروپاییان نفوذ بیشتر را آغاز کردند و تنها در پایان این قرن بود که منطقه بین قدرتهای استعماری تقسیم شد.

تأثیر مستقیم استعمار، بر ساکنان جزایر بود. بین ۱۸۷۹ و ۱۹۱۶، بریتانیا حدود ۶۰۰۰۰ هندی را برای اداره فعالیت‌های زراعتی که آنان در فیجی برپا کرده بودند، وارد کرد و جمعیت بومی از ۱۱۰/۰۰۰ نفر به ۸۵/۰۰۰ نفر در طول همین دوران کاهش یافت. امروزه، جمعیت فیجی نیمی هندی و نیمی ملانزیایی می‌باشد. فرانسه نیز همچنین وضعیتی در کالدونیای جدید به وجود آورد - جایی که فرانسویها مستعمره‌ای کیفری تأسیس کردند. مردم کالدونیا، از فرزندان محکومانی هستند که در این سرزمین، رها شدند (۸۰۰۰۰ نفر بین ۱۸۵۳ تا ۱۸۹۷ م.) و یا آن‌که اجداد آنها، مهاجران اروپایی مختاری می‌باشند که آنان را همراهی می‌کردند.

هیچ یک از این ارقام در ارتباط با جمعیت گینه نو قابل توجه نمی‌نمود. در ۱۹۵۰ گینه نو دارای ۲/۲۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت بود و در مقابل جزایر، ۷۵۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت. امروزه این ارقام به ترتیب ۳/۳۰۰/۰۰۰ نفر و ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر است و تمام منطقه درگیر و دار انقلاب جمعیتی است. جمعیت جزایر بدین قرار است:

بیسمارک	۲۵۰/۰۰۰ نفر
سلیمان	۲۵۰/۰۰۰ نفر
هیبرید جدید	۹۰/۰۰۰ نفر
کالدونیای جدید	۱۳۰/۰۰۰ نفر
فیجی	۵۵۰/۰۰۰ نفر
میکرونزی ^{۱۲}	۲۳۰/۰۰۰ نفر

مجموع ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر

ایریان غربی

نیمة غربی گینه نو (ایریان غربی) از نظر سیاسی، بخشی از اندونزی است که ۳۰٪ از جمعیت جزیره و یا ۱ میلیون نفر از جمعیت را در سال ۱۹۷۵ شامل می‌شود. بقیة ملانزی تحت قیمومیت سازمان ملل یا بقایای دستگاہهای اجرایی مستعمراتی قرار دارد، هر چند گینه نو شرقی و سلیمان شمالی به استقلال دست یافته‌اند.

میکرونزی

شمال ملانزی در جزایر مرجانی پراکنده‌ای و دیگر جزایر کوچک که میکرونزی را تشکیل می‌دهند، قرار گرفته است. مردم آن شبیه به مردم ملانزی هستند و به نظر می‌رسد که از هزاره اول قبل از میلاد، در منطقه می‌زیسته‌اند. کمتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر از آنان در ۱۵۰۰ م. می‌زیستند؛ امروزه تعداد آنان به حدود ۲۲۵/۰۰۰ نفر می‌رسد. از نظر سیاسی، میکرونزی تحت نظارت امریکا قرار دارد.

منابع اولیه

گینه نو برای جمعیت نگاران تاریخی، زمینه‌ای سخت محسوب می‌شود. بقایای جمعیت بومی نیمه غربی در ۶۲-۱۹۵۹ و ۱۹۶۸ وجود داشت، اما هیچ شمارش سرانه‌ای در آن صورت نگرفته است. در نیمه شرقی، یک سرشماری نمونه‌ای در ۱۹۶۶ انجام شد. مجمع الجزایر بیسمارک و سلیمان شرقی، بویژه جزایر بوگن ویل (*Bougain ville*) از نظر اجرایی و اداری به گینه نو شرقی ارتباط دارند و در منابع آن و یا فقدان آن سهم هستند. در دیگر جاها، تصویر اندکی روشنتر است. در جزایر سلیمان جنوبی، سرشماری نمونه‌ای در ۱۹۵۹ و در پی آن شمارش سرانه‌ای در ۱۹۷۰ انجام شد. در هیبرید جدید، مقامهای اجرایی، تخمینهای دقیقی از ۱۹۱۰ منتشر کردند و سرشماری را در ۱۹۶۷ برگزار کردند. در کالدونیای جدید، مجموعه‌ای از تخمینهای رسمی که در ۱۸۶۳ آغاز شد، صورت گرفته و سرشماریهایی در هر پنج سال یک بار، از سال ۱۹۱۰ برگزار شده است. نخستین سرشماری در فیجی مربوط به سال ۱۸۷۹ است که از سال ۱۸۸۱ هر ده سال یک بار صورت می‌گرفته است.

تخمینهایی برای بیشتر بخشهای ملانزی از نیمه سده نوزدهم در دسترس هستند. این تخمینها از ارزیابیهای مالیاتی دولتی دقیق در مقایسه با حدسهای نادرست متمایزند، اما چون هیچ اطلاعاتی که

مبنایی برای برآوردها قرار گیرد وجود ندارد، نیازی احساس نمی‌شود که این مساله را دنبال کرد که ارقام رسمی از این حدسها برتر است. به‌طور کلی این باور که جمعیت منطقه در حال کاهش شدیدی است، این آمار را تحت تأثیر منفی قرار داده است.

کتابشناسی

برای بحثی کلی دربارهٔ موقعیت کنونی می‌توانید مراجعه کنید به:

H.C. Brookfield and Doreen Hart, Melanesia, (1971).

برای طرحی کلی از روند تاریخی به *Howells* نگاه کنید. دربارهٔ جمعیت سلیمان در گزارش سرشماری سال ۱۹۷۰ محاسبه‌ای خوب موجود است و بحثی مناسب از فیجی را می‌توان در *R.G. Ward, land Use and population in Fiji (1965)* یافت. دربارهٔ جمعیت کالدونیای جدید در مقالهٔ *Pacific Viewpoint 5,1 (1964)* بحث شده است.

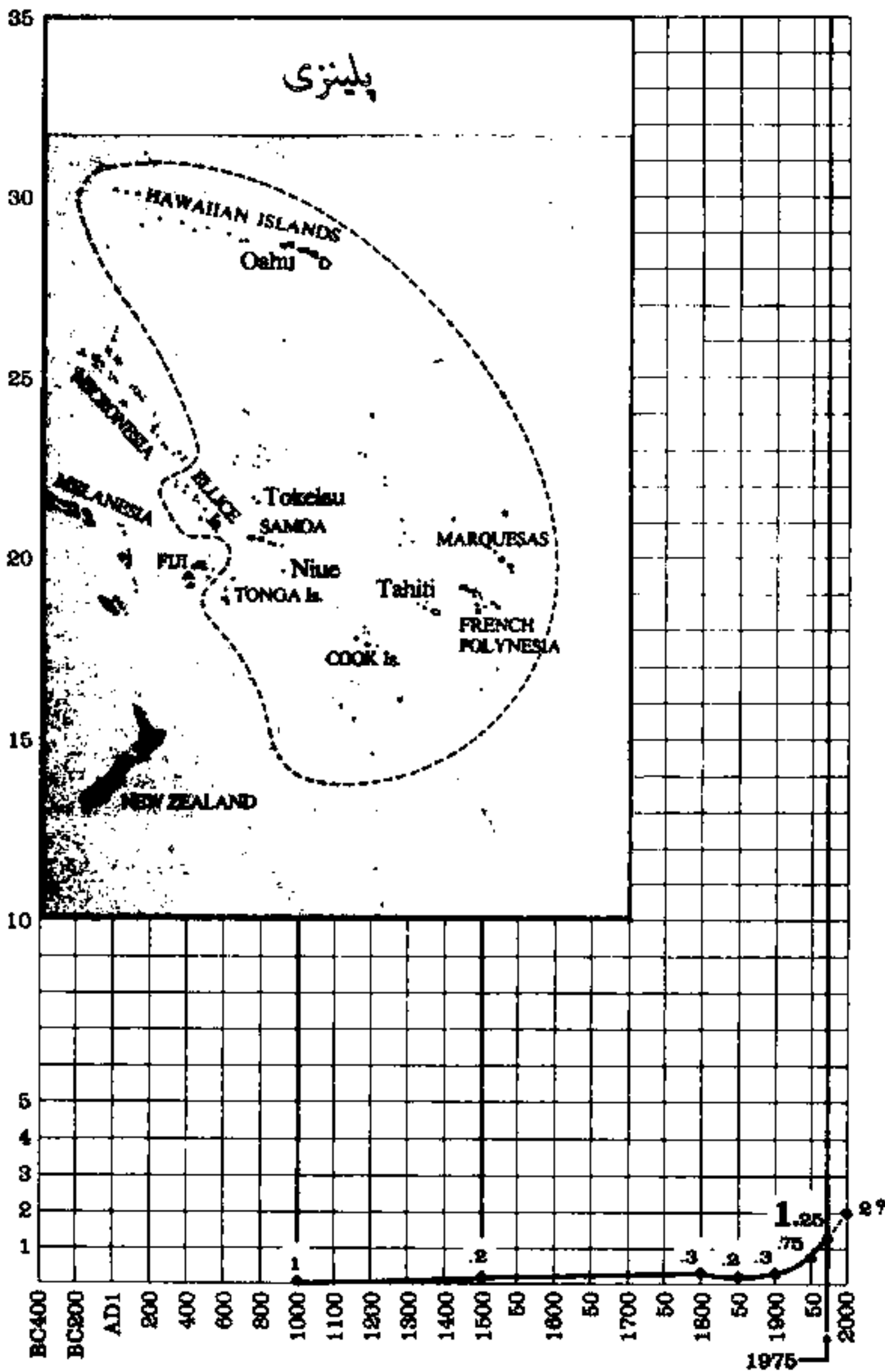
اقیانوسیه ۳

پلینزی ۲۵۰۰۰ کیلو متر مربع

مردم پلینزی همگی از نسل انبوه ملانزی‌هایی هستند که در حدود ۱۰۰۰ ق.م. در جزایر تونگا اسکان گزیدند. در طول ۷۰۰ سال بعد، این پیشگامان تا حدود ۱۰۰۰۰ نفر افزایش یافتند و جنبه‌های زبانی و فرهنگی که آنان را از خاستگاهشان متمایز می‌کند، توسعه یافت. در ۳۰۰ ق.م. محدوده و جمعیت آنان به علت کشف ساموآ و سکونت در آن گسترده شد. ساموآها نیز تاهیتی و مارکیز^{۱۳} را در حدود ۳۰۰ م. کشف کردند و در آن سکونت گزیدند.

این سفرهای دریایی توسط نیروهای دریایی رزمی عصر طلایی پلینزی بزودی از اهمیت زیادی برخوردار شد. بین ۴۰۰ تا ۹۰۰ م. ساکنان جزایر به شمال تا هاوایی و جنوب شرقی تا جزایر کوک و زلاندنو رسیدند. تاریخ مهاجر نشین زلاندنو در اقیانوسیه ۴ بیان شده است، اما ارقام جمعیت برای هاوایی به تنهایی جهت تحویلی در جمعیت‌نگاری پلینزی کافی می‌نماید. در سده پانزدهم، جزایر هاوایی نیمی از جمعیت ۲۰۰/۰۰۰ نفری منطقه را دربر می‌گرفت. در پایان سده هجدهم، اکثریت پلینزی‌ها در آنجا می‌زیستند. ۲۰۰۰۰۰ نفر در مجمع‌الجزایر هاوایی (بیشتر آنها در جزایر اوآ^{۱۴} بودند) و در مقابل ۱۰۰۰۰۰ نفر در بقیه پلینزی (بیشتر آنها در تونگا، ساموآ و تاهیتی زندگی می‌کردند). به نظر می‌رسد که جمعیت جزایر جنوبی اقیانوس آرام به محدوده طبیعی رسیده است.

ورود اروپاییان در ریع آخر سده هجدهم پایان حکایت پلینزی است. این موضوع احتمالاً با



ایانوسیه ۳

/ جمعیت پلینزی در ۱۹۹۰ م: ۱۹۵۰۰۰ نفر /

احساسات در تصور عمومی در هم آمیخته است، اما دست کم در جامعه پلینزی تاثیر داشته و به تعداد جمعیت آنان افزوده است. بیماریهای جدید اروپاییان، در سراسر جزایر اثر خود را بر جای گذاشته است. کاهش جمعیت بومیان هاوایی بویژه سریع بود- از ۲۰۰۰۰۰ نفر در ۱۷۷۵ به ۷۰۰۰۰ نفر در ۱۸۵۰ و ۳۵۰۰۰ نفر در ۱۹۰۰ کاهش یافت. به طور کلی، بین پایان سده هجدهم و پایان سده نوزدهم، تعداد پلینزیها از ۳۰۰۰۰۰ نفر به کمتر از ۱۵۰/۰۰۰ نفر کاهش یافت. به علت وجود جریان ورود افراد به پلینزی، این منطقه، از کاهش جمعیت همانند این مقیاس رنج نبرد. هاوایی، مهاجرانی را از چین، ژاپن، فیلیپین، پرتغال و ایالات متحده (که سرانجام مجمع الجزایر هاوایی را در ۱۸۹۸ به خاک خود ضمیمه کرد) پذیرا بود. بدین ترتیب جمعیتش در ۱۹۰۰، به ۱۵۰۰۰۰ نفر رسید- یعنی ۲۵٪ از بالاترین میزان جمعیت در اواخر سده هجدهم و پلینزی به طور کلی جمعیتش بیش از ۲۰٪ از این میزان نبود. در سده بیستم، جمعیت پلینزی افزایش یافته است. جمعیت آن از ۲۵۰۰۰۰ نفر در ۱۹۰۰ م. به ۷۵۰/۰۰۰ نفر در ۱۹۵۰ رشد یافته و اکنون به ۱/۲۵۰/۰۰۰ نفر رسیده است. بخش عظیمی از این افزایش به هاوایی مربوط است که در حال حاضر ۸۶۰۰۰۰ نفر را در خود جای داده است. اما حتی ساکنان جزایر اقیانوس آرام جنوبی که هنوز هم تقریباً پلینزیایی محسوب می شوند، بسیار افزایش یافته اند (نک جدول). این افزایشها جبران کننده آن است که نژاد هاوایی های پلینزی هم اکنون کمتر از ۱۰٪ جمعیت وطنشان را تشکیل می دهند.

جمعیت دسته های بزرگ جزیره ای پلینزی ۱۹۰۰-۱۹۷۵ / و ۱۹۹۰ / میلادی

تونا	۱۹۰۰ (سال)	۱۹۲۵	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۱۹۹۰ [میلادی]
تونا	۲۰/۰۰۰	۲۵۰۰۰	۵۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۹۶۰۰۰
ساموآ	۴۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۲۰۲۵۰۰۰
پلینزی فرانسه	۳۰۰۰۰	۳۵۰۰۰	۶۰۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	۱۹۵۰۰۰
جزایر کوچک	۸۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۵۰۰۰	
توکلاو ^{۱۵} ، نیون ^{۱۶} و جزایر آلیس ^{۱۷}	۵۰۰۰	۸۰۰۰	۱۲۰۰۰	۲۰۰۰۰	
مجموع جمعیت پلینزی باستانی هاوایی (اعداد صحیح)	۱۰۰۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۴۹۰۰۰۰	
هاوایی	۱۵۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۸۹۰۰۰۰	

منابع اولیه و کتابشناسی

جزایر اقیانوس آرام به نسبت میزان جمعیتشان، باید در بین لماسی ترین مطالعات جمعیت نگاری جهانی قرار گیرد. منابع، تعدادی از تخمینهای سده هجدهم و عمدتاً سده نوزدهم است با تفاوتی عمیقاً کیفی و شمارشها و سرشماریهای زیادی که مربوط به سده بیستم هستند. درباره جمعیت تونگا، ساموآ، جزایر کوچک و پلینزی فرانسه، بحث گسترده‌ای از منابع و روند جمعیت در *N. McArthur* (1968). *Island Populations of the Pacific* وجود دارد. همچنین برای تونگا به مقاله‌ای نوشته *A.C. Walsh* در *Pacific Viewpoint 11, 1 (1970)* نگاه کنید. درباره هاوایی مراجعه کنید به:

R.c. Schmitt, Journal of the Polynesian Society 76: 467-75 (1967) and 8: 237-43 (1971)

برای دستیابی به اطلاعات بیشتری در باره جزایر کوچک که در کتابهای راهنمای معمولی موجود است، نگاه کنید به:

(British) Naval Intelligence Divison's Second World War Publication Geographical Handbook of the Pacific Islands and the Australian Semi - annual Pacific Island Yearbook and Who's Who.

بهترین بررسی تاریخی درباره تمام منطقه (و حتی وسیعتر از آن) توسط *Howells** انجام شده است. همچنین مراجعه کنید به:

R.G. Ward (ed.), Man in the Pacific Islands (1972).

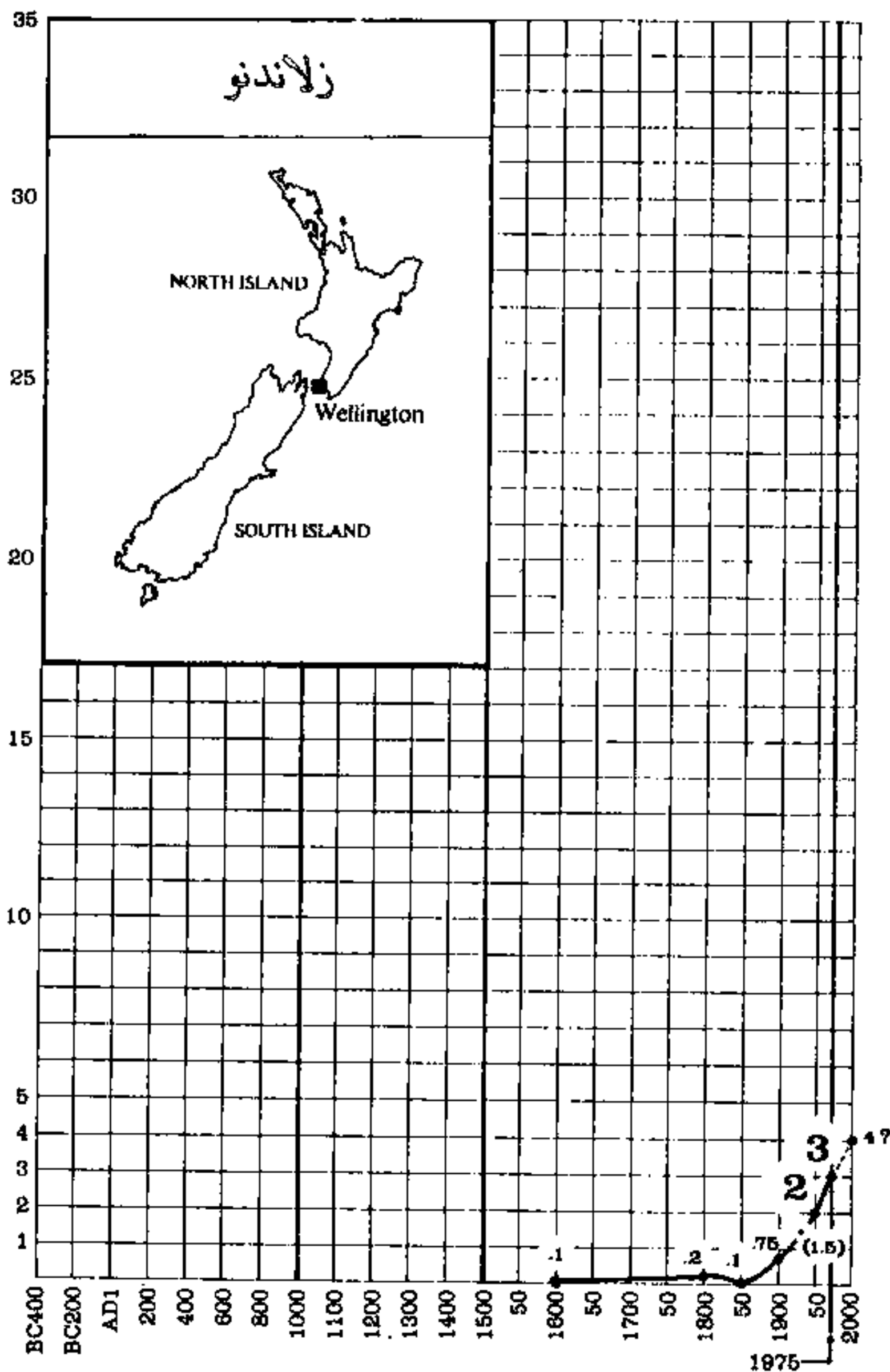
اقیانوسیه ۲

زلاندنو ۲۷۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

تاریخ جمعیت استرالیا به دو مرحله تقسیم می‌شود - پیش و پس از سال ۱۷۸۸ میلادی. زلاندنو دست کم در بردارنده سه مرحله است و در صورتی که فقدان جمعیت را به عنوان یک مرحله در نظر بگیریم، دارای چهار مرحله است. جزایر زلاندنو در عصر مسیحیت خالی از سکنه بود. دوران پیش از تاریخ، در حدود سال ۷۵۰ م. با ورود نخستین ساکنان - احتمالاً از جزایر مارکیز در پلینزی شرقی - آغاز می‌شود. بر مبنای اقتصادی که ضرورتاً بر پایه شکار شتر مرغ استرالیایی مهاجر استوار بود، جمعیت ساکنان اولیه زلاندنو توانست از تعداد اندکی کرجی بان در سده هشتم به جمعیت نزدیک به ۱۵۰۰۰ نفر در سده ۱۴ میلادی افزایش یابد.

در سده پانزدهم، شکارچی شتر مرغ زیاد نبود. مردم مائوری نیمه کشاورز و مهاجران از پلینزی، از این شکارچیان پیشی گرفتند. در این زمان تعداد اندک کرجی بانان در سده چهاردهم به جمعیتی حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر در سده هجدهم افزایش یافت. در مقایسه بین تراکم این تعداد جمعیت استرالیا، مقیاسی از پیشرفت کشاورزی به دست می‌آید - حتی به شکل پلینزی آن و حتی هنگامی که در یک آب و هوای نه چندان مناسب که بیشتر مائوری‌ها را به جزایر شمالی محدود کرد، تجربه می‌شود.

روابط نخستین انسان غربی با زلاندنو تجربی بود. مهاجرت مناسب تنها بعد از ۱۸۴۰ آغاز شد، اما حتی پس از آن نیز ارتباط تجربی، ویرانی اجتناب ناپذیرش را موجب شده بود. بیماری‌های اروپایی و



اقیانوسیه ۴

/ جمعیت زلاندنو در ۱۹۹۰ م. : ۱۰۰۰ / ۳۹۰ / ۳ نفر /

زلاندنو / ۴۷۳

سلحه‌های اروپایی که بین مائوری‌ها وجود داشت، جمعیت آنان را تا دهه ۱۸۴۰ به حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر کاهش داد و این کاهش تا سقوط به میزان در خور توجهی که به حدود ۵۰/۱۰۰۰ نفر در پایان ننگهای مائوری در ۱۸۷۲ رسید، ادامه یافت. پس از این زمان، هر چند روندی آرام، همواره به سوی این وجود داشت، اما نسبتاً کند بود و به توقفی در دهه ۱۸۹۰ در رقم ۴۲۰۰۰ نفر رسید. سپس افزایش مریعی به تعداد ۱۰۰۰۰۰ نفر در نیمه دهه ۱۹۴۰ به وقوع پیوست و پس از آن میزان قابل توجه رشد - از ۱٪ تقریباً تا بیش از آن در طول یک سال - جمعیت مائوری زلاندنو به حدود ۲۵۰/۱۰۰۰ نفر و کمی بیشتر رسیده است.

الگوی رشد جمعیت اولیه اروپایی زلاندنو - در حقیقت عمدتاً بریتانیایی همراه با جمعیت قابل توجه اسکاتلندی‌ها - تقریباً عکس الگوی جمعیت مائوری بوده است. در نیمه سده نوزدهم، رشد جمعیت سریع بود. ۱۰۰۰ نفر ساکن در ۱۸۳۹، به حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر در ۱۸۵۰ و ۳۰۰۰۰۰ نفر در ۱۸۷۵ افزایش یافتند و در اوایل دهه ۱۸۸۰ به ۵۰۰۰۰۰ نفر و در ۱۹۱۱ به ۱ میلیون نفر رسید. در طول دوران مهاجرت، در سده نوزدهم، رشد سریع نخستین دهه‌ها به بالاترین حد خود در مهاجرت بزرگ دهه ۱۸۶۰، هنگامی که جمعیت در نیمه نخست این دهه دو برابر شد، رسید. پس از تحولات دهه ۱۸۶۰، الگوی رشد به یکی از مهاجرت‌های ثابت و مداوم پیش از کند شدن آن در دهه ۱۸۸۰ دست یافت - هنگامی که برای نخستین بار افزایش طبیعی، مهمتر از مهاجرت به عنوان سهمی برای رشد کلی جمعیت زلاندنو تبدیل شد. از سال ۱۹۰۰ م، این الگوی بسیار مشابه با الگوی استرالیا، همراه با مهاجرت در خور توجه در ده سال پیش و ده سال بعد از جنگ اول جهانی و از زمان جنگ دوم جهانی، بویژه در اواخر دهه ۱۹۴۰ و در دهه ۱۹۵۰ بوده است.

منابع اولیه و کتابشناسی

جمعیت‌نگاری زلاندنو بسیار خوب به ثبت رسیده است، اما شرح بسیار کمی بر آن نوشته شده است. سرشماریهای از جمعیت سفید پوست در سالهای ۱۸۵۱، ۱۸۶۱، ۱۸۶۴، ۱۸۶۷، ۱۸۷۱، و از تمام جمعیت - سفید و مائوری در ۱۸۵۸، ۱۸۷۴ و ۱۸۷۸ انجام شده است. از سال ۱۸۸۱، سرشماری منظمی در هر ۵ سال یک بار، با استثنای سال ۱۹۳۱ و ۱۹۴۰ (در این دو سال هیچ سرشماری صورت نگرفت) و ۱۹۴۶ (سرشماری این سال در پیش از آن انجام شد) برگزار شده است. تمام این مواد خام

در نشریات سرشماری متداول و همچنین در *A Study of New Zealand Population* فشرده شده است.

تخمینهای مربوط به جمعیت پیش از ورود اروپاییان بیان شده است در:
K.B. Cumberland and J.S. Whitelaw, New Zealand (1970) و همچنین بحث شده است توسط
*Hollingsworth**. دوران پیش از تاریخ می‌تواند به شکلی چشمگیر مورد بحث قرار گیرد. مجموعه
کلی از ارتباطات پلیتزی و مهاجران از سده هشتم بدین سوی احتمالاً در این بحثها موجود است. هر
چند پژوهشهایی صورت گرفته است ولی نمودار جمعیت بسیار مشابه به نظر می‌رسد.

پانوشتها:

1- Wallace

2- West Irian

۳- ملانزی Melanesia: نام کلی آن بخشی از سرزمینهای اقیانوسیه که در اقیانوس اطلس پراکنده است. م.

4- Tonga

5- Samoa

۶- احتمالاً این موضوع مربوط به این است که سابقاً مردم پلینزی آدمخوار بوده‌اند. م.

7- Port Jackson

8- Torres Strait

9- Gold Rush

10- New Hebride

11- New Caledonia

12- Micronesia

13- Marquesa

۱۴- اوا Oahu: از شهرهای مهم هاوایی (پنجاهمین ایالت امریکا) با ۱۹۰/۰۳۷ نفر جمعیت. م.

15- Tokelau

16- Niue

17- Ellice Islands



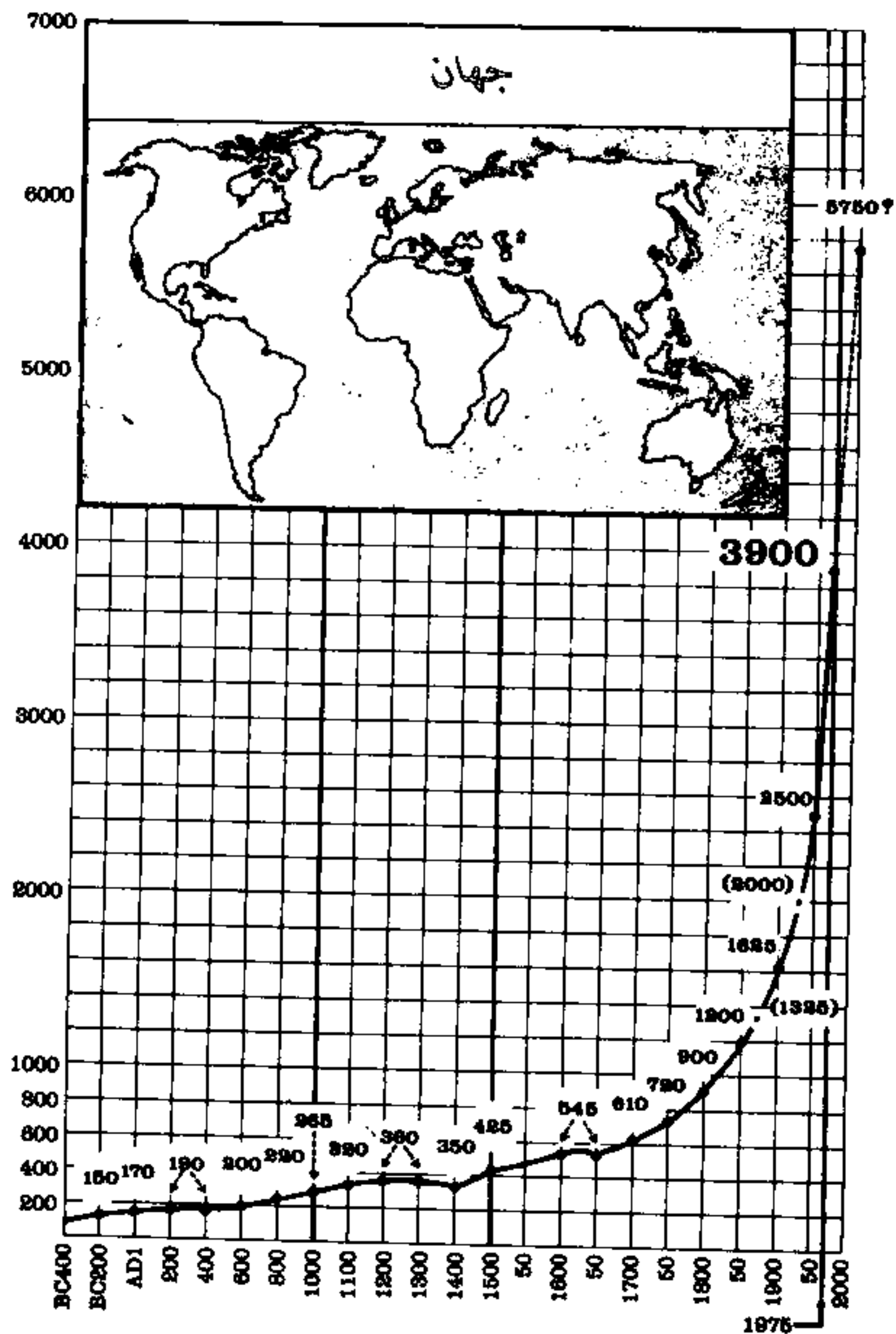
بخش ششم

پروسی کلی جهانی



سرزمینهای مسکونی

تصویر ۶-۱ مناطق مسکونی انسان



نمودار ۲-۶ مجموع جمعیت
 / جمعیت جهان در ۱۹۹۰ م.: ۵/۲۳۱/۲۳۰/۰۰۰ نفر /